

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی
۱۲.۲۲.۰۸

آقای سیستانی! کار "شورای انقلابی" به کجا کشید؟

در این ده روز گذشته (نشر اولین قسمت مقاله "شورای انقلابی...)" ، انقیاد طلبان "افغان – جرمن" سخت می کوشیدند تا غیابت پهلوان پنبه عرصه نبرد قلمی شان "کاندیدای اکادمیسین سیستانی" را با نشر مقاله های سابقه وی از آرشیف در انتظار ببوشانند. این قلم هم با آنکه میدانستم آن جنایتکار بی آرم چیزی برای گفتن ندارد، منتظر بودم ببینم چه پاسخی در قبال پرسش های مطروحه از جانب من ارائه می دارد، حیفا ودریغا که بعد از ده روز سکوت مرگبار وده ها لایه وندبه نزد دوست و دشمن وحتا چون ابر بهار گریستن نزد برخی ها، سرانجام شمشیر از نیام کشیده ضمن این طرف و آنطرف جست و خیز نمودن، باز هم در عقب "ملالی جويا" سنگر گرفت. این انسان سفاک و بیرحم که هزاران وطن پرست کشور را با نوک قلم به دست دژخیم سپرده و کوهواره از جنایت را در قفا دارد با این سنگر گرفتن ها به علاوه آن که می خواهد شرمگاه خویش را از دید دیگران ببوشاند، بار دیگر می خواهد سیاست رسمی "خاد" و "شورای انقلابی" را در عمل پیاده نموده با رو در رو قرار دادن افراد غیر حزبی ، بقای ننگین خویش را تضمین نماید.

در همین جا برای آخرین بار برای اعضای "شورای انقلابی" وسایر کاسه لیسان استعمار تذکر می دهم : این قلم نفس شرکت در انتخابات یک اداره مستعمراتی را به معنای شناسائی آن اداره ودر نتیجه خیانت می دانم، هرکسی مخالف این حکم باشد، نه تعلق قومی و نژادی برایم اهمیت دارد و نه هم جنسیت این ویا آن، می تواند با هویت خود پا به میدان پیش نموده منطق خود را به آزمایش گذارد. و اما در صورتی که "ملالی جويا" خود شخصاً به تکذیب این حکم بپردازد و آنرا یک حرکت انقلابی معرفی دارد می تواند در سایت خود پاسخ گوید، با دایه های مهربانتر از مادر در این باب حرفی مبادله نخواهم نمود.

با این دایه ها به خاطری درباب عملکرد "ملالی جويا" به بحث نمی پردازم که از دید آنها هر طرفی که آسیب ببیند خیر "شورای انقلابی" را در آن می بینند. به خصوص هرگاه یک طرف فرزند یک انقلابی باشد و طرف دیگر یک دشمن "بیرحم" شورای انقلابی وسایر مزدوران روس. به اصطلاح مردم آنها را خدا می دهد چه از هر طرفی که بر زمین بیفتد خیر "شورای انقلابی" در آن مضمراست.

آقای سیستانی!

بعد از ده روز سکوت انتظار می رفت در مواردی که به مثابه نکات اختلاف بین ما دونفر مطرح شده بود اندکی تماس بگیرد نه اینکه باز هم از قضیه طفره رفته همان نغمه کهنه را سر دهد.

می دانید مشکل شما چیست؟ شما می خواهید دیگران هم جهان را به اندازه دهانه چاه ببینند. مگر خوشبختانه دیگران مجبوریت ندارند چون جنابعالی بر وجدان خویش پا گذاشته در قضیه از دید شما دخالت نمایند. زیرا سایرین نه عضو "شورای انقلابی" بوده اند و نه هم فرمان به قتل کسی صادر نموده اند. آنها ضرورت های جنابعالی را ندارند تا در گذشته ویا حال به دنبال آن باشند که یک قرینه تاریخی را یافته و بدان بچسبند تا خیانت خویش را توجیه نموده باشند.

در این جا شاید برای بسیاری از خوانندگان این سوال پیش بیاید که آقای سیستانی با آن سابقه ننگین چه ضرورتی دارد تا به حمایت دختر یک تن از دشمنان قبلی اش، برخاسته اینهمه خود را به درد سر مواجه سازد؟

پاسخ این پرسش به گذشته جناب شان بر می گردد. زیرا تاریخ این حقیقت را بار ها ثابت نموده است، تمام آنهایی که آگاهانه دست به خیانت و جنایت می زنند، حین محاسبه، آن وجدان و شرافت را ندارند تا پا پیش گذاشته مسؤولیت اعمال

ننگین شان را خود به عهده بگیرند در نتیجه تلاش می‌ورزند تا با تمسک به قرینه‌های مشابه به یک شکلی از اشکال از عملکرد دیروز خویش به دفاع برخیزند. این قضیه در مورد کاندیدای روسی، بیشتر از همه صدق نموده در تمام نوشته‌ها سخت می‌کوشد تا به چشم مردم خاک پاشیده، با دفاع از خیانت‌های پیهم اولاده سردار پاینده محمد خان به خصوص "نواب محمد زمان خان" یک نوع مجوز اخلاقی برای عضویت خویش در "شورای انقلابی" بیابد. به همین سان وقتی شرکت در انتخابات پارلمانی ویا ریاست جمهوری را در یک اداره مستعمراتی تبلیغ می‌نماید، باز هم می‌خواهد قبح حرکت خایانه خویش را از انظار بیوشاند. از آن جایی که این نکته در مقاله جداگانه‌ای به طور کامل شگافته خواهد شد، بیشتر از این در مورد چیزی نمی‌نویسم.

"کاندیدای اکادمیسین سیستانی" در نوشته مختصر خود در چند نکته دیگر هم از خود خط زردی به دنبال گذاشته است که به چند مورد آن به صورت مختصر تماس می‌گیرم.

از خفاشی که به دفاع از وی چند دشنام نثار من نموده به ستایش برخاسته مثل همیشه نوکر صفتی و مزدور منشی خویش را به اثبات رسانیده است. به خاطر چشم روشنی جناب عالی و آن خفاش که به مانند "گلبین" کلمه "دین" را در عقب نام خویش پدک می‌کشد، باید بنویسم اندکی صبر کن جناب کاندیدای اکادمیسین! وقتی از طرق دیگر نیز ایقان حاصل شد که دشنام دهنده کسی نیست مگر "...دین"، باز در آن صورت خواهیم دید که چه کسی طرف دیگر را سرچایش نشانیده است. خفاش انقیاد طلب که ماه‌ها خاک پای اسپنتای خاین را جاروب می‌نمود ویا این قلم که از نخستین روز تجاوز امریکا و شرکا بر میهنم در سنگر دفاع از میهن ایستاده، زوزه‌های شغالانی چون خودت هیچ‌گونه خدشه در اراده مبارزاتی و دوام آن مبارزه به وجود نیاورد.

انتقاد بس کوبنده از نظر ایشان ندادن عکس این قلم به سایت‌های انترنتی می‌باشد. این انتقاد که بیشتر از من نوعی یخن شریک خیانت وی "...دین" را می‌گیرد زیرا من که حد اقل با اسم خود و صدای خود و در حضور هزاران نفر شعار "مرگ بر امریکا و شرکاء" را سر می‌دهم واین "...دین" است که خفاش گونه واز تاریکی حمله می‌نماید، مرا بر آن می‌دارد تا قسمتی از عکس‌های دهه ۸۰ خویش را که هنگام آزاد ساختن زادگاه کاندیدای اکادمیسین یعنی سیستان قهرمان پرور گرفته ام به نشر بسپارم. آن عکس‌ها زمانی گرفته شده اند که کاندیدای اکادمیسین از موضع یکی از اعضای هیأت رئیسه "شورای انقلابی" دستور به کشتار و قتل عام مخالفین صادر می‌نمودند. از آن گذشته چطور است یکبار از خواهر زاده‌های تان در ولایت نیمروز که اکنون به طرف مامای اکادمیسین خود رفته اند بپرسید که کسی به اسم من در همانجا وجود داشت ویاخیر؟

از همه ارتجاعی‌تر کاربرد صفت "چنگیز وار" نسبت به این قلم است. زیرا بر رویت یکی از مقالاتی که در تعریف از این قلم در نشریه "مردم" منتشره در امریکای شمالی، از کاندیدای اکادمیسین در دست است، وی ضمن تعریف از این قلم، مرا منسوب به ملیت هزاره دانسته با صراحت از برادر هزاره یاد دهانی می‌نماید. این بار هم همانطوری که در کاربرد "پل پوت" می‌خواهد به اختلافات امروز ما بار ایبولوژیک دهه هفتاد و هشتاد را علاوه نماید در کاربرد "تو چند یکه ملک هستی" و "چنگیز وار" این قلم را بار دیگر هزاره خطاب نموده غیر مستقیم بیگانه خطاب می‌نماید.

کاندیدای اکادمیسین وطن فروش!

هرکسی که "موسوی" تخلص نمود، حتماً هزاره نیست که اگر هزاره هم می‌بودم به هزاره بودن خویش افتخار می‌نمودم. من فرزند این ملک و آب و خاک هستم، خاکی که وقتی میهن فروش بی‌هویتی مثل تو آن را به حراج گذاشت من هزاره، تاجک، پشتون و بلوچ با ایثار خون خود، پدران، خواهران و برادران خود از وجب به وجب آن حراست نمودیم.

به تو فاشیست بی‌مقدار در محضر تمام مردم افغانستان چلینج می‌دهم، هرگاه واقعاً به یکی از اقوام و قبایل افغانستان تعلق داری و عضویت ات در "شورای انقلابی" بر خاسته از خون شریکی ات با روسها نبوده است، فقط دوصد سال سابقه تاریخی قومی ات را در افغانستان بنویس تا بر رویت اسناد ثابت نمایم که تو واجداد تو هم مهاجر و بیگانه‌ای بیش نبوده‌اید.

تو که ادعای دانشمند بودن داری و تازه‌ها با کلمات شهامت و شجاعت هم آشنا شده‌ای، بیش از این در عقب نام "ملالی جویا" و ملیت "پشتون" خود را پنهان ننما!

با هویت و تفکر خودت پا به میدان گذاشته از کارنامه ننگین ات در "شورای انقلابی" به دفاع برخیز!
ورنه پوزه کثیف خود را بسته بیش از این به آتش افتراق اقوام و ملیت‌های سراسر کشور هیزم نرسان!